مجله مطالعات حقوقی پانتا

شماره ۳۶،
دوره اول،
سال پنجم،
بهار ۱۳۹۹،
صص ۲۵-۴۰

# بررسی فقهی احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها در مذاهب خمسه

فرنوش شریعتی سرابی [۱]

## چکیده

دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین به حکایت قرآن شریف از تبیین چیزی فروگذار نکرده است. احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها نیز چنین است که ریز مسائل آن بیان شده و کلی این است اصل در همه چیز، حلال بودن است و آنچه نیاز به دلیل دارد، حلال نبودن است. در پاره‌ای از نوشته‌های فقهی بیان از این قاعده کلی استثنائاتی بیان شده است. در خصوص بعضی موجودات مثل ماهیان بی پولک شبهاتی وجود دارد. مخصوصا که بین مذهب امامیه و اهل سنت اختلاف است و شبهاتی در خصوص صید حیوانات و وبح آنان به دست مسیحیان و گوشت‌هایی که از کشورهای خارجی وارد بلاد مسلمین می‌شود و یا پرندگان نیز چنین بحث است که کدام حلال یا حرام است. البته در مورد رابطه با چهارپایان باید اذعان کرد از میان آن‌ها گوشت شتر، گاو، بز و گوسفند را می‌توان تناول نمود هر چند مواردی از بدن آنها استثناء شده است. اما گوشت اسب، قاطر و الاغ کراهت دارد. بنا به انظار ارباب مذاهب خمسه هر کس که توانائی ذبح را دارد می‌تواند ذبح نماید چه زن حائض باشد و چه بچه نابالغ. اما اگر این دو ذبح کنند بهتر است تا اینکه یک یهودی یا مسیحی ذبح نماید. (با رعایت شرایط ذبح) لذا با توجه به اینکه روایات در خصوص خوردن و آشامیدن و مقوله نجاست و طهارت مختلف مختلف و گاهاً با یکدیگر متعارض هستند، لذا در این مقاله هدف آن هست تا موضوع اطعمه و اشربه از منظر آراء فقهی مذاهب خمسه مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا آنچه شارع از آن نهی نموده از آن دوری گزید و به آنچه سفارش نموده، عمل کرد.

**کلیدواژگان: خوردنی، آشامیدنی، حرام، حلال، ادله فقهی**

۱دانشجوی کارشناسی ارشد رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد مشهد

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

**مقدمه**

دین اسلام برای مساله خوردن و آشامیدن اهمیت بسیاری قایل است . اصولا لقمه و طیب و طاهر بودن آن مساله بسیار مهمی است . چه اینکه بر روی انسان دارای اثر وضعی می‌باشد . از طرفی به حکایت قرآن شریف خداوند قصد ندارد برای مسلمانان قوانینی وضع کند که به واسطه آن مومنین به زحمت بیفتند . بلکه می‌خواهد ما طاهر و سلامت باشیم . ناگفته پیداست با گسست تاریخی و وفات پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و انقطاع وحی آسمانی و غیبت ولی بزرگ خداوند به اعتقاد امامیه، برای یافتن احکام باید به فقیهان و متخصصان در این زمینه مراجعه نمود.در این میان هر چند مشترکات شیعه با اهل تسنن زیاد است اما چگونگی استخراج و استنباط احکام شرعیه بین مذاهب خمسه با هم تفاوتهایی دارد.ادله اربعه نزد شیعه عبارت است از: کتاب خدا، سنت معصوم (ع)، عقل و اجماع، که بیشتر علمای اهل سنت و شیعه آن را به عنوان منابع فقه و مصادر تشریع پذیرفته‌اند و هر یک از آنها به عنوان دلیلی معتبر برای استنباط احکام شرعی محسوب می‌گردد. این چهار منبع در اصطلاح فقها و اصولیون «ادله اربعه» نامیده می‌شود، هر چند برخی از اهل سنت به جای عقل، از قیاس نام برده‌اند .بدون شک، قرآن مجید اولین منبع احکام و مقررات اسلام است، البته آیات قرآن منحصر در احکام و مقررات عملی نیست، بلکه در قرآن صدها گونه مسئله طرح شده، ولی بخشی از آیات، حدود پانصد آیه از مجموع آیات قرآن ـ به احکام اختصاص یافته و به نام «آیات الاحکام» معروف شده است. هر چند قرآن شریف خود را « بْیاناً لِکُلِّ شَیْءٍ[1]» معرفی می‌نماید ولی این بدان معنا نیست که همه چیز عینا در قرآن آمده باشد وروشن است که این کتاب کتاب هدایت بشر است و هر آنچه برای هدایت بشر لازم بوده در آن آمده است. سنت، به معنای گفتار، کردار و یا تأیید (تقریر) معصوم (ع) است که در مورد حجیت آن از نظر کلی بحثی نیست و مخالفی وجود ندارد. اختلافی که در مورد سنت وجود دارد آن است که آیا تنها سنت نبوی (ص)حجت است یا سنت روایت شده از ائمه (ع) هم حجت است. شیعه هر دو را حجت می‌داند، اما اهل سنت تنها سنت نبوی را حجت می‌داند. اجماع، به معنای اتفاق آرای علمای اسلام در یک مسئله است. از دیدگاه علمای شیعه، اجماع از آن نظر حجت است که کشف کننده قول معصوم (ع) می‌باشد و اتفاق، به خودی خود اصالت ندارد، به خلاف نظر اهل سنت که اتفاق علما یا اهل حل و عقد در نظر آنها اصالت دارد. اما حجیت عقل، از نظر شیعه به خاطر قطعی و یقینی بودن احکام آن است و حجیت قطع ذاتی است. با اذعان به اختلافاتی از این دست می‌توان گفت در تقریر احکام و آداب خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها نیز در میان مذاهب پنجگانه اختلافاتی دیده می‌شود.

**تعاریف و مفاهیم**

- **حلال:** بدیهی است که اسلام دینی جهان شمولی است که همین موضوع باعث می‌شود در همه ابعاد زندگی رسوخ کرده و فرامینی را وضع کرده که پیروی از آن سعادت مادی و معنوی را برای امت خویش فراهم خواهد نمود. یکی از مهمترین این مولفه‌ها مقوله حلیت اطعمه و اشربه است. در اسلام موازینی مطرح شده است در خصوص خوردنی‌ها و آشامیدنی که در قرآن و سنت نیز بدانها تأکید شده است. بدین ترتیب، خوراکی‌هایی که

[1] سوره مبارکه نحل. آیه ۸۸

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

در اسلام به آنها سفارش و حتی کیفیت ذبح و دسترسی به آنها نیز تبیین شده است را تحت عنوان حلال می‌شناسیم. این اطعمه و اشربه نیز دارای مصادیق فراوانی است که در مذاهب خمسه اسلامی به آنها پرداخته شده است.[1]

- **حرام:** همچنین در شرع مقدس اسلام برخی از خوراکی‌هایی که نسبت به عدم تناول آنها بسیار سفارش شده است و این تأکید موکد از طرف اولیای دین نیز کاملاً تشریح شده است، حرام می‌باشد. از آنجا که اسلام مقوله اضرار به بدن را بسیار مورد صنع خود قرار داده است بیشترین هدف و دلیل حرمت بعضی از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را می‌توان ادله پزشکی و سلامت افراد دانست. زیرا اسلام به آثار ماتقدم و ماتأخر خوردنی‌ها بر بدن انسان آگاه است و به همین دلیل جهت عدم ورود اضرار به سلامت فردی انسانها، آنها را تحت عنوان حرام، از خوردن و نوشیدن منع نموده است.[2]

**پیشینه پژوهش**

فرجام(۱۳۹۲) در پایان نامه خود با عنوان «لقمه حلال و حرام در آیات و روایات و تاثیر آن در شکل گیری شخصیت و تربیت فرزند» بیان می‌دارد که با توجه به لقمه حلال و حرام جهت کسب لقمه حلال و اجتناب از لقمه حرام از خواسته های اکید اسلام است. در فقه اسلامی به تفصیل در مورد کسب حلال و حرام بحث شده و بابی در فقه به نام مکاسب و خرید و فروش باز شده که شرایط ورود به کسب و تجارت را مورد توجّه قرار داده تا مومنان به کسب حرام نیفتند.در آموزه های دینی به آثار و پیامد های حلال و حرام پرداخته شده است؛ از جمله اینکه لقمه حلال موجب پاکیزگی و قبولی اعمال در سیر تکاملی

کارگری(۱۳۹۱) در پایان نامه خودبا عنوان «ملاکها و معیارهای حلیت و حرمت حیوانات و پرندگان» معتقد است که انسان باید در نوع غذایی که مورد استفاده قرار می دهد دقت لازم را به کار ببرد و اگر خداوند چیزی را حلال یا حرام نموده حتماً مصلحتی در کار بوده است و اگر ما از جانب خود حرام الهی را حلال دانسته و به استفاده از آن بپردازیم این امر مستوجب پیامدهایی هم در دنیا و هم در آخرت برای ما می شود.

شخصیت و تربیت فرزند است. و در طرف مقابل لقمه حرام، سیر تربیتی فرزند را با مشکل اساسی روبرو می کند.

باقی(۱۳۹۰) در پایان نامه خود با عنوان «بررسی اطعمه و اشربه با رویکرد پزشکی» عقیده دارد که شارع مقدس بر اساس حکمت بالغه ی خویش در جهت گذران زندگی سالم و بدون دغدغه دنیوی و نیل به سعادت اخروی و نجات از عذاب دردناک جهنم، آنچه را که برای سلامت جسم و یا جان خطرناک و زیانبار است حرام یا مکروه دانسته است و آنچه را که برای سلامت انسان، لازم و مفید است واجب و یا مستحب و آنچه سود و یا زیانی برای جسم و یا جان ندارد مباح شناخته است.

---

[1] رسالة إبن أبي زيد،القيرواني،۳۸۹،فقه مالکی،المکتبة الثقافية - بيروت – لبنان. ص ۵۲

[2] - زكريا الأنصاري ،فتح الوهاب۹۳۶،فقه شافعی،الأولى،١٤١٨ - ١٩٩٨ م،منشورات محمدعلي بيضون،دارالكتب العلمية.ص۳۳۰

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

کریمی(۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «خوراکی های حلال و حرام در قرآن و حدیث» نشان می‌دارد چنانچه قرآن کریم در نوع مواردی که دستور تغذیه داده، بعد از آن یک دستور عملی می‌دهد؛گاهی به عنوان امر و گاهی به عنوان نهی و هر جا خوردن و آشامیدن مطرح است در کنارش مسئولیتی مثل تقوی، اطعام، شکر، عدم اسراف، طغیان و فساد، پرهیز از خوردن غافلانه و پیروی از شیطان، قربانی کردن و دقت در انتخاب غذای پاکیزه و عدم حرام، بیان شده است.

**مذاهب خمسه**

**مذهب شیعه** نخستین مذهب از مذاهب خمسه است. شیعه در لغت بر دو معنا اطلاق می‌شود، یکی توافق و هماهنگی دو یا چند نفر بر مطلبی، و دیگری، پیروی کردن فردی یا گروهی، از فرد یا گروهی دیگر در زبان عربی در اصل به معنای یک، دو یا گروهی از پیروان است. در قرآن این لفظ چندین بار به این معنا به کار رفته‌است. برای نمونه در آیه ۱۵ سوره قصص درباره یکی از پیروان موسی(ع) از عنوان شیعه موسی و در جای دیگر از ابراهیم(ع) به عنوان شیعه نوح یاد می‌کند در تاریخ اسلام لفظ شیعه، به معنای اصلی و لغوی‌اش برای پیروان افراد مختلفی به کار می‌رفت. برای مثال، گاهی از شیعه علی بن ابی‌طالب(ع) و گاهی از شیعه معاویه بن ابی‌سفیان نام برده شده. اما این لفظ به تدریج معنای اصطلاحی پیدا کرد و تنها بر پیروان علی(ع) که به امامت او معتقدند اطلاق می‌شود. و با تعالیم جعفر بن محمد به صورت یک مذهب مستقل درآمد. واژه شیعه در زمان حیات پیامبر از طرف ایشان به دوست داران علی بن ابی طالب(ع) گفته شد. اکنون «شیعه» در اصطلاح به آن عده از مسلمانان گفته می‌شود که به خلافت و امامت بلافصل علی(ع) معتقدند، و بر این عقیده‌اند که امام و جانشین پیامبر اسلام از طریق نصّ شرعی تعیین می‌شود، و امامت علی(ع) و دیگر امامان شیعه نیز از طریق نص شرعی ثابت شده است.

**مذهب حنفی** قدیمی‌ترین مذاهب فقهی اهل سنت است. موسس این مذهب، ابو حنیفه نعمان بن ثابت بن زوطی بن ماه می‌باشند. وی اصالتاً ایرانی بوده زیرا جدش، زوطی از اسیران کابل بوده است، ولی ابوحنیفه در سال ۸۰ هـ در کوفه متولد شد و در همانجا به آموختن فقه و علم کلام پرداخت و در سال ۱۵۰ هـ در گذشت. او در کوفه مدت ۱۸ سال در حلقه درس حمادبن ابی سلیمان (م ۱۲۰ ه.ق) به فراگیری فقه به روش ابراهیم نخعی پرداخت. نعمان، پس از مرگ استادش، سفرهایی هم برای فقه اندوزی به حجاز داشت و از نخبگان علمی آن دیار و از جمله امام باقر علیه السلام توشه برگرفت. ابوحنیفه قائل به کاربرد رأی و اجتهاد بود و قیاس و استحسان را به عنوان منبعی فقهی مورد توجه قرار داد. اساس اندیشه فقهی ابوحنیفه بر هفت اصل: کتاب خدا، سنت رسول، سخنان صحابه، قیاس، استحسان، اجماع و عرف استوار بود.

**مذهب مالکی** دومین مذهب اهل سنت از نظر قدمت و سومین آن از نگاه قلمرو است. مؤسس این مذهب، مالک بن انس اصبحی از طبقه سوم فقیهان تابعی مدینه است امام مالک از شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام بود و فقه را نزد ایشان فرا گرفتند. او حدود سال‌های ۹۰ تا ۹۷ در شهر مدینه تولد یافت و در همانجا درگذشت. وی فقیهی عربی

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

الاصل بود و بیشتر زندگانی خود را در مدینه سپری کرد. مذهب فقهی مالک، به مثابه یک مدرسه فکری نبوده و اجتهاد فقهای آن فراتر از رأی ایشان نمی‌رود. مالکیان در باورهای اعتقادی خود پیرو مکتب اشعری هستند.

**مذهب شافعی** از نظر قدمت، سوّمین مذهب فقهی اهل سنت است. بنیانگذار این مذهب فقهی، ابوعبدالله، محمدبن ادریس، از طبقه چهارم فقیهان تابعی مکه است. محمد بن ادریس به قبیله قریش منتسب بوده و در سال ۱۵۰ هـ . ق . در شهر غزه از شهرهای فلسطین دیده به جهان گشود. در آغاز، فقه را در نزد مسلم بن خالد زنجی در شهر مکه فرا گرفت و در چهارده سالگی از او رخصت فتوی یافت. در بیست سالگی به مدینه رفت و در شمار شاگردان مالک بن انس درآمد و با یک واسطه باز هم از شاگردان امام جعفر صادق(ع) به شمار می‌آید.

**مذهب حنبلی**، یکی از چهار مذهب اهل سنت است که مؤسس آن امام احمد بن حنبل می‌باشد، نام او ابو عبدالله است. ایشان در سال ١٦٤ ق در بغداد به دنیا آمده و در سال ٢٤١ ق نیز در همان شهر از دنیا رفت. او فقیهی بود که بسیار سفر می‌نموده و در طلب علم و حدیث به شام، حجاز، یمن، کوفه و بصره رفت و احادیث بسیاری گردآوری و آنها را در مجموعه‌ای که «مسند ابن حنبل» خوانده می‌شود،فراهم آورد. ابن حنبل از تمسک به رای تبری می‌جست و تنها به کتاب الله و حدیث استدلال می‌کرد. ابن حنبل از بزرگترین شاگردان شافعی بود ولی از مذهب وی روی برتافت و مذهب مستقلی به نام مذهب حنبلی ایجاد کرد.

**آراء فقهی علمای شیعه و سنی در خصوص حلال و حرام بودن آبزیان**

در بین فقیهان و ارباب فتوا، سخن مشهور، جایز نبودن خوردن حیوانات دریایی است.[1] نسبت به گیاهان وحشرات حکمی بیان نشده است و بحث درباره آبزیان را نیز به ماهیان محدود ساخته و معیار حلال بودن و خوراکی بودن ماهیان را نیز در پولک دار بودن آنان دانسته‌اند.[2] با بررسی روایات و ادله موجود، این حقیقت روشن خواهد شد که همه گیاهان آبزی (به جز گیاهان سمی و زیان آور) حلال و هرگونه استفاده مباح از این گیاهان (حتی گونه‌های سمی و زیان آور آن) جایز است.[3] درباره آبزیان مشکوک بین گیاه و حیوان، با توجه به طبع مساله، در صورت نبود اختلاف زیاد کارشناسی، به نظر کارشناسان (عرف خاص) و در غیر این صورت، به عرف عام عمل می‌شود.

**•بیان حکم و ادله حلیت و حرمت در مذهب اهل بیت.**

[1]. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نشر: ١٤٠٣ ه‍ ق، چاپ: قم- ایران.١١، ١٨٧.

[2]طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط في فقه الإمامية، ناشر: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، نشر: ١٣٨٧ ه‍ ق، چاپ: تهران- ایران.٦، ٢٧٦.

[3]موسوي خويي،ابوالقاسم،منهاج الصالحين،ناشردارالكتب اسلاميه،، نشر: ١٤٠٧ ه‍ ق، چاپ: تهران- ایران.٢، ٣٤٤.

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

حیوانات آبزی: درباره حیوانات آبزی دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول: حلال نبودن حیوانات آبزی است. بطوریکه بیشتر فقیهان گوشت هیچ یک از آبزیان، به جز ماهیان پولک دار و میگوها را حلال نمی‌شمارند. گروهی از اینان دلیلهایی بر سخن خود اقامه کرده‌اند که به شرح ذیل است: شماری از فقیهان دلیل بر حرام بودن آبزیان، به جز ماهیان پولک دار و میگوها را، اجماع دانسته‌اند[۱] و گاه بر این نکته اشاره روشن دارند: جز اجماع دلیلی برای این حکم وجود ندارد.[۲] درباره اجماع ادعا شده از سوی اینان، باید گفت:

- الف. شماری از فقیهان بیان داشته اند، تحقق چنین اجماعی را به جهت مخالفت و یا تردید و تامل شماری از فقیهان و ارباب فتوا و شریعت، نمی‌توان ثابت دانست.[۳]
- ب . در علم اصول روشن گردیده است: چنین اجماعی، اعتبار ندارد و حجت نیست و ناتوان از اثبات حکم است، چه به جهت بی اعتباری اجماع منقول و یا به جهت مدرکی بودن این گونه اجماع‌ها، چنان که گروهی به روشنی آن را بیان کرده‌اند.[٤]
- ج. روشن است هنگامی می‌توان برای ثابت کردن حکمی به اجماع دست یازید که دلیل لفظی وجود نداشته باشد و حال این که در این جا دلیل لفظی وجود دارد.

دلیل دوم: عمومیت حرام بودن مردار: شماری از فقیهان برای حرام بودن حیوانات آبزی، به دلایلی که بر حرام بودن خوردن مردار دلالت دارند، تمسک جسته‌اند. اینان بر این باورند که عمومیت حرام بودن خوردن مردار، حیوانات آبزی را که به عنوان صید از آب گرفته می‌شوند، در بر می‌گیرد. چه همین که روح از بدن هر جانداری خارج شد، آن جاندار، مردار شمرده می‌شود و یا این که اصل در حیواناتی که در جایز بودن خوردن آنها از نظر شرع شک وجود دارد، حاصل نشدن تذکیه شرعی است. البته باید گفت که این استدلال درست نیست. زیرا اطلاق واژه مردار، هم در لغت و هم در عرف و هم آنگونه که از روایات به دست می‌آید، تنها مواردی را بر می‌گیرد که جاندار به مرگ طبیعی و یا بدون تذکیه مرده باشد. بنابراین، با هرگونه مرگ و خارج شدن روح از بدن جانداران، نمی‌توان به آنها مردار گفت و اصل حاصل نشدن تذکیه شرعی برای حیواناتی که دلیلی بر خوردن آنها از نظر شرع وجود ندارد، سخنی است نادرست. زیرا حاصل شدن تذکیه برای حیواناتی که حلال گوشت نیستند، همچون خرگوش، روباه و... امری است ثابت، چنان که با توجه به روایات موجود، تذکیه آبزیان، دست کم ماهیان دارای پولک و بدون پولک، تنها گرفتن آنها از آب و مردن در خارج از آب است.[۵]

---

[۱]- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة في أحکام الشریعة، ناشر: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، نشر: ١٤١٥ ه‍ ق، چاپ: قم- ایران،١٥، ٥٩.

[۲]همان منبع، ٦٧

[۳]همان منبع، ٧١

[٤]اصفهانی، محمد تقی رازی نجفی، تبصرة الفقهاء، ناشر: مجمع الذخائر الإسلامیة، نشر: ١٤٢٧ ه‍ ق، چاپ: قم- ایران.

[٥]نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة في أحکام الشریعة، ناشر: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، نشر: ١٤١٥ ه‍ ق، چاپ: قم- ایران،٢، ٢٤٤.

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

**•دیدگاه دوم: حلال بودن حیوانات آبزی**

شماری از فقیهان بر این نظرند که اصل در حیوانات آبزی حلال بودن است. مگر در مواردی که دلیل و نص خاص وجود داشته باشد. اینان برای اثبات سخن خویش، دلیل‌های زیر را دستاویز خویش قرار داده اند:

دلیل اول آیات:

•الف:« أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُواْ اللّهَ الَّذِيَ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ.»[1] برای شما صید دریا و غذای آن ا حلال کرده ایم تا متاع شما باشد و در آن دریا سیر کنید.

•ب:« وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُواْ مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُواْ مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.»[2] آن خدایی است که دریا را برای شما مسخر کرده است که از آن گوشت پاک بخورید.

•ج:« وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْماً طَرِيّاً وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.»[3] دو دریا با یکدیگر یکسان نیستند یکی گوار و شیرین است وخوردنش جایز است و یکی شور است از هردوی آنها گوشت پاکیزه بخورید.

این سه آیه با توجه به اطلاق آنها، ظهور در حلال بودن حیوانات آبزی: ماهیان و غیر ماهیان، دارند. بنابراین، می‌توان حکم به حلال بودن همه حیوانات آبزی داد، مگر حیواناتی که دلیلی بر حرام بودن آنها وجود داشته باشد. گروهی از فقیهان بر استدلال به آیه نخست اشکال کرده اند: واژه «صید» به کار رفته در این آیه شریفه به معنای «اصطیاد» (فعل صیاد) است که در این صورت آیه حلال بودن صید را ثابت می‌کند. حلال بودن حیوانات آبزی و به کار بردن واژه «صید» در معنای «مصید» (حیوان شکار شده) جز به گونه مجاز و یا تقدیر گرفتن حذف، امکان پذیر نیست و این هر دو درباره آیه مورد سخن تصور ناپذیر است. و این کاربرد نیز، یا به جهت حلال نبودن همه آبزیان، به جز ماهیان دارای پولک، تخصیص اکثر را در پی دارد و یا به جهت تبادر موجود در واژه، تنها ماهیان دارای پولک را در برمی گیرد. در برابر این سخن، باید گفت: اگر چه به کار بردن واژه «صید» در معنای «اصطیاد» سخنی پذیرفتنی می‌نماید، ولی نباید از لحن آیه و نیز وجود واژه «طعامه » فروگذار بود. ادعای تخصیص اکثر نیز، بستگی به اختصاص حلال بودن به ماهیان دارای پولک است که دلیلی برای آن وجود ندارد و ادعای تبادر هم، اگر تحقق چنین تبادری مورد پذیرش قرار گیرد، به جهت مستند نبودن به نفس واژه، بی اعتبار است. بنابراین، باید پذیرفت که آیه همچنان بر حلال بودن حیوانات آبزی دلالت روشن دارد.[4]

---

[1] سوره مبارکه نحل آیه ١٤

[2] سوره مبارکه فاطر آیه ١٢

[3] طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ناشر: کتابفروشی مرتضوی، نشر: ١٤١٦ ه ق، چاپ: تهران- ایران٢: ٢٥٤.

[4] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط في فقه الإمامية، ناشر: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، نشر: ١٣٨٧ ه ق، چاپ: تهران- ایران.٣: ٤١٥.

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

**•اصل مباح و حلال بودن چیزها**

با توجه به روایات موجود در این خصوص، روشن است که اصل در همه چیز، حلال بودن است و آنچه نیاز به دلیل دارد، حلال نبودن است. بنابراین، باید درباره همه حیوانات آبزی حکم به حلال بودن کرد، مگر آن دسته از حیواناتی که دلیلی بر حرام بودن آنها وجود ندارد، مانند: خرچنگ، قورباغه، لاک پشت و.... شماری از فقیهان برای ناپذیرفتنی نمایاندن استدلال به اصل اباحه، به اجماع دست یازیده و گفته‌اند: «این اصل، با اجماع منقولی که یاری شده به فتاوی کافه اصحاب و نیز ناسازگار با دیدگاه عامه است، تخصیص خورده است.»[۱] این سخنی است نادرست، زیرا اجماع ادعا شده، چنان که پیش از این گفته شد، اعتباری ندارد و حجت نیست، چنان که یاری به فتاوای اصحاب چنین است و ناسازگاری آن با عامه نیز ثابت نیست، زیرا ابوحنیفه و شافعی (بنابر یکی از دو سخن نقل شده از او) بر خلاف مالک و احمد حنبل، خوردن حیوانات آبزی را حرام می‌شمارند. **همچنین** در پاره‌ای از نوشته‌های فقهی، از اصل عملی احتیاط برای این که ثابت کنند ماهیان بدون پولک، حرام هستند، سخن گفته شده است.[۲] استناد جستن به اصل عملی احتیاط، نادرست می‌نماید، زیرا اگر به ناسازگاری روایات و از کارایی افتادن آنها (که گویا هیچ یک از کسانی که به حرام یا حلال بودن ماهیان بدون پولک نظر دارند، این را قبول ندارند) روی آورده شود، تنها هنگامی می‌توان به اصل عملی استناد جست که دلیل لفظی وجود نداشته باشد و حال این که نمی‌توان وجود عموم و اطلاق آیات و نیز وجود روایاتی را که اصل در چیزها را مباح بودن می‌شمارند، نادیده انگاشت و اگر به نارسایی و کوتاهی روایات (که هیچ یک از کسانی که به حرام ویا حلال بودن ماهیان بدون پولک نظر دارند، از آن سخن نرانده اند) روی آورده شود، باز مجالی برای عمل به اصل احتیاط وجود ندارد، زیرا شبهه موجود درباره ماهیان بدون پولک، شبهه حکمیه تحریمیه است و چون این شک بدوی است، اصل براءت در آن جاری خواهد شد، مگر به اصالت حظر و یا منش اجتهاد اخباریان روی آورده شود. به طور کلی از بررسی نوشته های فقهی، این نکته به دست می‌آید: شماری از فقیهان همچون محقق حلی، شهید ثانی، مقدس اردبیلی و... درباره همه و یا بخشی از ماهیان بدون پولک به گمان افتاده‌اند و یا توقف کرده‌اند.[۳] شاید بدین جهت است که بحث درباره ماهیان بدون پولک را از مسایل پیچیده و مشکل فقه دانسته‌اند.

ب. آنان که ماهیان پولک دار را حلال و ماهیان بدون پولک را حرام دانسته اند، بیشتر، پس از بیان استدلالهای خویش درباره حرام بودن ماهیان بدون پولک، به بحث درباره ماهیانی که از آنها در روایات نام برده شده، از جمله: جری، مارماهی، زمار و زهو می‌پردازند که اینان خود، به دو گروه تقسیم می‌شوند و دو دیدگاه را دنبال می‌کنند:

---

[۱] نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة في أحکام الشریعة، ناشر: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، نشر: ۱٤۱۵ ه‍ ق، چاپ: قم- ایران.۱۵: ٦۲.

[۲] حلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، المهذب البارع في شرح المختصر النافع، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نشر: ۱٤۰۷ ه‍ ق، چاپ: قم- ایران.

[۳] - عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة( المحشّی- کلانتر)، ناشر: کتابفروشی داوری، ۱٤۱۰ ه‍ ق، چاپ: قم- ایران.۳: ۱۵۵.

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

۱. ماهیانی چون: جری، المارماهی، زمار، و زهو را حرام می‌دانند و برای ثابت کردن سخن خویش، بیش تر، به همان دلیلهای ارائه شده برای حرام بودن ماهیان بدون پولک، استناد جسته اند.[۱]

۲. به تفصیل گراییده‌اند، بدینگونه که به استناد پاره‌ای از روایات، «جری » را حرام دانسته‌اند و به استناد روایات و دلایلی که بر حرام نبودن ماهیان بدون پولک، اقامه شده، المارماهی، زمار و زهو را مکروه دانسته اند.[۲]

این ماهیان در نزد آنان که ماهیان بدون پولک را حرام نمی‌دانند، به استناد همان ادله‌ای که بر حرام نبودن ماهیان بدون پولک استدلال کرده‌اند، حرام نمی‌دانند.[۳]، جز این که اینان گاه کراهت موجود در «جری» را شدیدتر و بحث درباره این ماهیان را به جهت ناشناخته بودن آنها، بی‌حاصل می‌شمارند.

**نظراهل سنت در خصوص حلال و حرام بودن آبزیان**

اهل سنت از آنجایی که تمام آبزیان را طاهر می‌دانند در فقه خود به صورت مبسوط این بحث را مطرح نکرده‌اند و در لابلای مباحث صید و ذباحه مطرح نموده‌اند. نظر کلی آنها چنین است: هر حیوانی که در آب زندگی می‌کند مانند ماهی و غیر آن، گرفتن آن به منزله تذکیه وی می‌باشد و دیگر تذکیه به عهده کسی نمی‌باشد اگر چه اگر کسی آن را تذکیه کند موجب حرمت اکل آن نمی‌گردد و لو آن که به خاطر طولانی بودن مدت حیات آن حیوان در خارج از آب، او را ذبح کند تا سریع‌تر بمیرد و بتواند از آن تناول نماید اشکالی ندارد. در این حکم تفاوتی بین مجوسی و حتی بت‌پرست که تذکیه آن صحیح نیست نیز نمی‌باشد، زیرا همین گرفتن از آب، به تنهایی موجب تذکیه حیوان است و لذا تفاوتی ندارد که چه کسی آن را از آب می‌گیرد. همچنین تفاوتی ندارد که حیوان به مجرد خروج از آب بمیرد یا آن که پس از خروج از آب هم بتواند زندگی کند بلکه تنها شرط آن است که حیوان به آب نسبت داده شود و عرف آن را آبزی و دریایی بنامد و بیشتر زندگی حیوان در آب باشد. در این صورت دیگر تفاوتی بین سایر شرایط نمی‌کند. در این مطلب بعضی از مستشرقین گمان نموده‌اند که تفاوتی در حیوانی که انسان آن را به صورت زنده از آب می‌گیرد و حیوانی که انسان آن را در حالی که در آب مرده است، می‌گیرد، نمی‌کند و مشخص نیست که وجه این کلام آن‌ها چیست.[٤]

[۱]- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعهٔ فی أحکام الشریعهٔ، ناشر: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، نشر: ١٤١٥ ه ق، چاپ: قم- ایران.١٥: ٦٦.

[۲]- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ناشر: دار الکتب الإسلامیهٔ، نشر: ١٤٠٧ ه ق، چاپ: تهران- ایران.٩: ٥.

[۳]- اصفهانی، محمد تقی رازی نجفی، تبصرهٔ الفقهاء، ناشر: مجمع الذخائر الإسلامیهٔ، نشر: ١٤٢٧ ه ق، چاپ: قم- ایران.٢: ٢٤٥.

[٤]الإمام الشافعي ،کتاب الأم ،بیروت ،١٣٤٥ه ق، ج ٢ - ص ٢٤٩

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

## حلال بودن و حرام و بودن لمح حیوانات خشکی

### •نظر مذهب شیعه

یکی از بارزترین چالش‌های حلال و حرام بودن خوردنی‌ها لمح(گوشت) حاصل از ابدان حیوانات است. می‌دانیم که از میان حیوانات گوشت شتر، بر، گاو و گوسفند را می‌توان تناول نمود. اما گوشت اسب، قاطر و الاغ کراهت دارد که البته مرتبه کراهت در میان آن‌ها متفاوت است. اختلافی در میان مسلمانان در حلیت چهارپایان چهارگانه گانه یعنی شتر، بز، گاو و گوسفند نیست. کتاب و سنت نیز بر همین امر دلالت دارند.

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ [1] هم چنین مشهور در میان فقها، حلال بودن اسب، قاطر و الاغ است. دلیل آن نیز سه چیز است:

۱. اصل حلیت.

۲. آیه « قُل لَّا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَن يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ...».[2] بگو از آنچه که به من وحی شده است طعامی را یافت نمی کنم بر هر خورنده‌ای...

۳. روایت حسنه زراره و محمد بن مسلم از امام باقر (ع): «از ایشان در مورد خوردن گوشت الاغ های اهلی سؤال کردیم که در پاسخ فرمودند: رسول خدا (ص) از أکل آن‌ها در روز خیبر نهی فرمودند. دلیل این نهی هم این بود که این‌ها مرکب مردم بودند. اما حرام همانی است که در کتاب خدا یعنی قرآن بدان اشاره شده است.»[3] در روایت دیگری از محمد مسلم نقل شده است: «از امام (علیه السلام) در مورد گوشت اسب و قاطر سوال کردم که ایشان در پاسخ فرمودند: حلال است ولی مردم از گوشت آن‌ها بدشان می‌آید.»[4]

وجه کراهت این گوشت‌ها نیز روایات فراوانی است که از خوردن این گوشت‌ها نهی شده است. نهی هایی که در مقام جمع بر کراهت حمل شده‌اند. یکی از این روایات صحیحه «ابن مسکان» است: «از امام صادق (علیه السلام) در مورد گوشت الاغ سوال کردم. حضرت در پاسخ فرمودند: رسول اکرم (ص) از خوردن این گوشت‌ها در روز خیبر نهی فرمودند. هم چنین از ایشان در مورد خوردن گوشت اسب و قاطر پرسیدم که در پاسخ فرمودند: رسول گرامی اسلام (ص) ازخوردن گوشت آن‌ها هم نهی فرمودند. پس از این گوشت‌ها جز در حال اضطرار تناول نکن.» به همین معنا روایات دیگری نیز وارد شده است الا این که این روایت از جهت سندی و دلالی از بقیه واضح تر بود. هم چنین از جهت سندی از روایات حلیت نیز صحیح تر بود. تنها مسأله‌ای که وجود دارد این است که این روایت، قائل به کراهت گوشت این‌ها شده است که با عبارت «إلا أن تضطرّ بها» بیان گردیده است. در این عبارت خوردن آن‌ها منوط به فرض ضرورت شده است و اطلاق آن هم اعم از این است که به حدی برسد که موجب حلیت حرام گردد یا که به چنین حدی نرسد. حال که این امور روشن

---

[1] سوره مبارکه النحل، آیه ۵

[2] سوره مبارکه الأنعام، آیه ۱۴۵

[3] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، نشر: ۱۴۰۷ ه ق، چاپ: تهران- ایران.۹: ۴۱

[4] همان منبع، ۴۹

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

گردید، باید گفت که این سه حیوان یعنی اسب، قاطر و الاغ همانطور که دیگران ذکر کرده‌اند در کراهت با یکدیگر مشترک هستند. هم چنین در اینکه در مرتبه کراهت نیز با یکدیگر اختلاف دارند مورد اتفاق فقیهان است. تنها بحث در این است که کراهت کدام یک شدیدتر از دیگری است. بیشترین کراهت مربوط به قاطر است و در مرتبه بعدی الاغ قرار دارد و اسب نیز دارای کمترین مرتبه کراهت می‌باشد. یکی از وجوه شدت کراهت قاطر این است که از دو مکروه متولد شده است. وجه دیگر این است که از آنجا که بعضی در رابطه با قاطر قائل به حرمت شده‌اند بنابراین کراهت او از دیگران شدیدتر خواهد بود. برخی گفته‌اند که الاغ کراهت بیشتری نسبت به قاطر دارد زیرا او از دو موجودی متولد شده است که دارای کراهت شدیدی هستند به خلاف قاطر که از دو موجودی متولد شده است که یکی دارای کراهت ضعیف و دیگری دارای کراهت قوی می‌باشد. وجه دیگر این است که نهی از خوردن گوشت الاغ در اخبار و روایات مورد تصریح و اشاره بیشتری به نسبت قاطر قرار گرفته است.[1]

دیگر این که همگان اتفاق دارند که پیامبر گرامی اسلام (ص) به صورت فی الجمله از خوردن گوشت آن نهی فرمودند و برهمین اساس هم برخی از فقیهان قائل به تحریم وی شده‌اند به خلاف قاطر که قائلین به حرمت آن به نصی که در آن به صورت خاص خوردن گوشت وی مورد نهی قرار بگیرد استدلال و اشاره نمی کنند. بلکه تنها دلیل آن‌ها این است که او از دو حیوان حرام گوشت و حلال گوشت متولد شده است و به خاطر غلبه دادن جانب تحریم، حکم به کراهت وی می‌کنند. همچنین «پیامبر اکرم (ص) از خوردن حیوان جلاله و هم چنین نوشیدن شیر او نهی فرمودند مگر آن که مدتی محبوس بماند.»[2] بنابراین اصل در آن حرام بودن آن است. هم چنین سگ و گربه نیز چه اهلی باشند و چه وحشی، حرام می‌باشند. اکثر أهل اسلام قائل به حرمت گوشت سگ هستند. دلیل آن هم این روایت است: «پیامبراکرم(ص) از خوردن هر صاحب دندانی از درندگان و هر صاحب چنگالی از پرندگان نهی فرمودند.[3]» دلیل دیگر حرمت آن ها، نجس العین بودن آن هاست؛ زیرا می‌بایست جایی که لیسیده‌اند را شستشو داد. بنابرانی خوردن آن‌ها نیز همانند خوردن سائر نجاسات حرام است. در همین رابطه نظر مذاهب چهارگانه اهل تسنن به چنین است. در مذهب مالک روایت فوق‌الذکر دلالت بر تحریم گربه نیز می‌کند، چه این گربه اهلی باشد و چه وحشی. زیرا مصداق صاحب دندانی است که به وسیله آن شکار می‌کند. در برخی اخبار هم تصریح شده است که وی از جمله درندگان است. در این مطلب نیز مالک و برخی از شافعیه مخالفت نموده اند. برخی دیگر نیز میان گربه وحشی و اهلی فرق گذاشته و گربه وحشی را حلال و گربه اهلی را حرام شمرده اند. دلیل انها نیز قیاس بر حلیت خر وحشی (گورخر) و حرمت خر اهلی است که هر دو این استدلال‌ها نادرست است. همچنین از نگاه این مذهب از حیوانات وحشی نیز گاو، بزکوهی، الاغ، بچه آهو و گورخر حلال هستند. اما از حیوانات وحشی، آنهایی که درنده باشند حرام هستند. مراد از درنده نیز حیوانی است که ناخن یا دندانی داشته باشد که با آن شکار کند، حال چه قوی باشد مانند: شیر، پلنگ، یوزپلنگ، گرگ و چه ضعیف مانند روباه، کفتار و شغال. هیچ اختلافی میان مسلمانان در حلیت حیوانات پنج گانه مذکور وجود ندارد، بلکه کلام در حلیت غیر آنهاست. دلیل حرمت مطلق درندگان، نهی پیامبر (ص) که

[1] طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، نشر: ۱۳۹۰ ه‍ ق، چاپ: تهران- ایران.٤: ٧٤.
[2] سنن ابن ماجه ٢: ١٠٦٤ ح ٣١٨٩ ح ٣٧٨٥، سنن الترمذي ٤: ٢٣٨ ح ١٨٢٤، سنن النسائي ٧: ٢٣٩- ٢٤٠
[3] کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافي( ط- دار الحدیث)، ناشر: دار الحدیث للطباعة و النشر، نشر: ١٤٢٩ ه‍ ق، چاپ: قم- ایران.٦: ٢٤٥.

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

گذشت: ایشان از خوردن هر صاحب دندانی از درندگان و هر صاحب چنگالی از پرندگان نهی فرمودند.» لیکن مالک با این مطلب مخالفت کرده و گوشت تمامی حیوانات درنده را مکروه شمرده و حرام ندانسته است. همچنین در مذهب حنفی، ابوحنیفه نیز گوشت حیوانات یاد شده را حرام دانسته است. اما شافعیه بین درندگان ضعیف مانند روباه و کفتار و شغال با درندگان قوی مانند شیر و پلنگ و یوز پلنگ فرق گذاشته و تنها قسم دوم را حرام دانسته اند. هم چنین گوشت خرگوش و سوسمار نیز در این مذهب حرام است. هم چنین موش صحرائی، جوجه تیغی، وبر، خز، سنجاب، سمور و حکه نیز حرام می‌باشند. تحریم تمام این اشیاء موضع اتفاق و وفاق است. [۱]

**احکام آشامیدنی‌ها در مذاهب خمسه**

خمر و هر چه مانند آن مسکر باشد مانند نبیذ، بتع، فضیخ، نقیع و مزر. حرمت خمر در میان مسلمانان محل اتفاق است. این حرمت تا بدانجا واضح است که کسی که آن را حلال بداند کشته خواهد شد. زیرا حرمت آن از ضروریات دین اسلام به شمار می‌اید. هم چنین به خمر در حرمت ملحق می‌شود هر چیزی که باعث سکر گردد؛ زیرا پیامبر گرامی اسلام (صلّی الله علیه و اله و سلّم) فرمودند: «هر نوشیدنی‌ای که موجب مستی شود حرام است.» [۲] ایشان در جای دیگری نیز فرمودند: «هر مسکری خمر است و هر خمری نیز حرام می‌باشد». «علی بن یقطین» در روایت صحیحی از امام کاظم (ع) نقل می‌کند: «خداوند متعال خمر را به خاطر نامش حرام نکرد بلکه آن را به جهت عاقبتش حرام نمود. بنابراین هرچیزی که عاقبتش مانند عاقبت خمر باشد خمر است.» [۳] عبدالرحمن‌بن حجاج نیز در روایت صحیحه‌ای می‌گوید: «رسول اکرم (ص) فرمودند: خمر بر پنج نوع است: عصیر که از کرم گرفته می‌شود، نقیع که از کشمش گرفته می‌شود، بتع که از عسل درست می‌شود، مزر که از جو درست می‌شود و نبیذ که از خرما به دست می‌آید.» [۴] ایشان بر همه این اشیاء نام خمر را اطلاق کردند. این اطلاق یا به خاطر مشارکت آن‌ها در اسکار بود و لذا به صورت مجازی به آن‌ها خمر اطلاق شد و یا آن که استعمال آن‌ها استعمال حقیقی بود از آن جهت که خمر نیز به خاطر این که عقل را از بین می‌برد خمر نامیده شده است و چون این معنا در این اشیاء نیز موجود است به آن‌ها نیز می‌توان حقیقۀ خمر گفت. همچنین به آب جو نیز حکم خمر اطلاق می‌گردد. شایان ذکر است که آن چه باعث حرمت می‌شود، اسکار زیاد است لکن آنچه موجب اسکار کم هم می‌شود حرام می‌گردد تا اصل ماده فساد از بین برود، همان طور که خلوت با نامحرم حرام شده است تا مبادا منجر به آمیزش با او شود.

- **نظر فقه حنفی در خصوص تحریم آشامیدنی‌ها**

ابوحنیفه در یکی از فتواهای خود فتوا به «حِلّیت شرب نبیذ، اگر چه مسکر باشد» داده است، در این نوشتار به بررسی این فتوا می‌پردازیم. قبل از ورود به بحث لازم است "نبیذ" تعریف شود. "نبیذ" در کتب اهل سنت این طور تعریف شده

---

[۱] کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافي( ط- دار الحدیث)، ناشر: دار الحدیث للطباعة و النشر، نشر: ۱٤۲۹ ه‍ ق، چاپ: قم- ایران. ۲٦٤

[۲](مسند أحمد ٦: ۳٦، صحیح البخاری ۱: ۷۰، صحیح مسلم ۳: ۱۵۸۵ ح ٦۷، سنن أبی داود ۳: ۳۲۸ ح ۳٦۸۲، سنن ابن ماجه ۲: ۱۱۲۳ ح ۳۳۸٦، سنن النسائی ۸: ۲۹۸، و ورد مضمونه فی أحادیث أهل البیت علیهم السلام عن النبیّ صلّی اللّه علیه و آله، انظر الوسائل ۱۷: ۲۵۹ ب «۱۵» من أبواب الأشربة المحرّمة.)

[۳]- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی( ط- دار الحدیث)، ناشر: دار الحدیث للطباعة و النشر، نشر: ۱٤۲۹ ه‍ ق، چاپ: قم- ایران.٦: ٤۱۲.

[٤]همان منبع ٦: ۳۹۲ ح ۱

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

است که: « شرابی که از انگور و یا خرما گرفته می‌شود، نبیذ می‌گویند. در فقه شیعه "نبیذ" هم این‌گونه تعریف شده است: «نَبیذ» از مادّه «نَبْذ» عبارت از این بوده که مقداری خرما یا کشمش را در ظرفی که مقداری آب در آن بود می‌ریختند و چند روزی می‌گذاشتند، و سپس می‌نوشیدند هرچند رسماً شراب نبود، ولی بر اثر گرمی هوا مواد قندی آن تبدیل به الکل خفیفی می‌شد. همانطور که گفته شد، ابوحنیفه قائل است که: «شرب نبیذ اگر چه مسکر باشد حلال است». اکنون بررسی می‌کنیم که فتوای ابوحنیفه مخالف با قرآن و روایات است. در قرآن می‌خوانیم که: «وَ مِن ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا[1]» و از میوه‌های درختان نخل و انگور، مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید». در این این آیه «سکر» یعنی مسکر و شرابی را که از انگور و خرما می‌گرفتند، درست در مقابل رزق حسن قرار داده است و آن را نوشیدنی ناپاک و آلوده شمرده است. روشن است که قرآن در این آیه هرگز اجازه شراب‌سازی از خرما و انگور نداده بلکه با توجه به اینکه «مسکرات» را در مقابل «رزق حسن» قرار داده اشاره کوتاهی به تحریم خمر و نامطلوب بودن آن نموده است. در آیه دیگر درباره حرمت شرب خمر چنین می‌فرماید: « يَسْئَلُونَکَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِما إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنافِعُ لِلنّاسِ وَ إِثْمُهُما أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِما[2]» در باره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: در آنها گناه و زیان بزرگی است، و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آن‌ها از نفعشان بیشتر است. این آیه می‌فرماید: شرب خمر، گناهی بزرگ است. در معجم مقاییس اللغه نیز برای «خمر» یک ریشه ذکر کرده که دلالت بر پوشاندن و اختلاط و آمیزش در پنهانی می‌کند و از آنجا که شراب عقل انسان را می‌پوشاند به آن خمر گفته شده زیرا سبب مستی است و مستی پرده‌ای بر روی عقل می‌افکند و نمی‌گذارد انسان خوب و بد را تشخیص دهد. با توجه به این آیه و تفسیری که گذشت حرمت شرب خمر معلوم می‌گردد. در بخاری هم درباره حرمت شرب مسکرات می‌خوانیم که: «ابو برده از پدرش و او از ابوموسی اشعری روایت می‌کند که رسول الله او را به یمن فرستادند و در مورد نوشیدنی‌های اهل یمن از وی پرسیدند، و او در پاسخ فرمود: بتع و مزر، از ابو برده پرسیده شد که «بتع» چیست؟ پاسخ داد: «بتع» نبیذ عسل و «مزر» نبیذ جو می‌باشد، سپس فرمود: هر مست کننده‌ای حرام است».

## نتیجه‌گیری

کلام در خوردنی‌ها و آشنائی با احکام مهم آن‌ها بود. خداوند متعال نیز تصریح می‌نماید که عادت اقتضاء می‌کند که انسان به طعام و بحث از احکام آن احتیاج داشته باشد: «و ما انسان‌ها را به صورت اجسادی که نیاز به طعام نداشته باشند نیافریدیم. وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ »[3] باری در تناول حرام، وعده عذاب شدیدی داده شده است. پیامبر گرامی اسلام (ص) در این رابطه می‌فرمایند: «هر گوشتی که از حرام بروید پس آتش بدان سزاوارتر است.» باری، انسان دارای دو حالت است: حالت اختیار و حالت ضرر. اصل در شناخت خوردنی‌های حرام از حلال و تشخیص آنها، مراجعه به شرع مقدس است. هرچه که شرع مقدس حلال کند، حلال است و هر آن چه که آن حرام نماید، حرام

[1] سوره مبارکه نحل آیه ۶۷
[2] سوره مبارکه بقره آیه ۲۱۹
[3] سوره مبارکه الأنبیاء آیه ۸

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

است. اما در صورتی که در شرع مقدس در مورد آن خوردنی، دلیلی وارد نشده باشد، می‌باید به عادت عرف مراجعه کرد، بنابراین هر آنچه که عرف آن را طیب دانست حلال است و هر چیزی را که ناپسند دانسته، حرام می‌باشد. اما اگر نه در شرع و نه در عرف، دلیلی بر حلیت یا حرمت آن خوردنی اقامه نشد، باید به وجود اضرار به بدن در آن نگاه کرد. اگر آن خوردنی به بدن ضرر می‌رساند حرام است. دلیل آن این است که اعیان به خاطر منافع بندگان و استفاده بردن آن‌ها خلق شده‌اند.

## منابع


- قرآن کریم.
- إبن أبی زید، القیروانی.(بی‌تا).*فقه مالکی*. بیروت. المکتبة الثقافیة.
- ابن ماجة أبو عبد الله محمد بن یزید القزوینی.(بی‌تا). *سنن ابن ماجه*. بیروت. دار إحیاء الکتب العربیة
- أبوعبدالرحمن أحمد بن شعیب بن علی الخراسانی.(١٤٠٦ ه.ق). *السنن الصغری للنسائی*. حلب(سوریه). مکتب المطبوعات الإسلامیة.
- ابوداوود، سلیمان بن اشعث.(بی‌تا). *سنن ابی داوود*. محقق: سید، سید محمد. جلد سوم. قاهره. موسسه علمی فرهنگی دارالحدی، سازمان چاپ و نشر.
- أحمد بن حنبل.(٢٠٠٩). *مسند الإمام أحمد بن حنبل*. محقق : شعیب الأرناؤوط وآخرون. قاهره. مؤسسة الرسالة.
- اردبیلی، احمد بن محمد. (١٤٠٣ ه.ق). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. قم. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، .
- اصفهانی، محمد تقی رازی نجفی.(١٤٢٧ ه.ق). *تبصرة الفقهاء*. قم. انتشارات مجمع الذخائر الإسلامیة.
- الإمام الشافعی.(١٣٤٥ ه.ق). *کتاب الأم*. جلد ٢. بیروت. دارالکتب.
- باقی، محبوبه.(١٣٩٠). *بررسی اطعمه و اشربه با رویکرد پزشکی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. سمنان.دانشگاه آزاد اسلامی.
- تزمذی، محمدبن عیسی.(١٤١٩ ه.ق). *الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی*. جلد چهارم. مصحح: شاکر، احمد محمد. قاهره. دارالحدیث.
- حلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی.(١٤٠٧ ه.ق). *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*. قم. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- زکریا الأنصاری .( ١٤١٨ – ١٩٩٨ م)*فتح الوهاب. فقه شافعی*. منشورات محمدعلی بیضون. بیروت. دارالکتب العلمیة.
- طریحی، فخر الدین.(١٤١٦ ه.ق). *مجمع البحرین*. تهران. کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن.(١٣٩٠ ه.ق). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. تهران. انتشارات دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن.(١٣٧٨ ه.ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. تهران. انتشارات المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.
- طوسی، ابوجعفر،محمد بن حسن.(١٤٠٧ ه.ق). *تهذیب الأحکام*. *تهران*. انتشارات دار الکتب الإسلامیة.


[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی.(۱٤۱۰ ه.ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة( المحشّی- کلانتر)*. قم. کتابفروشی داوری.
- فرجام، هادی.(۱۳۹۲). *لقمه حلال و حرام در آیات و روایات و تاثیر آن در شکل گیری شخصیت و تربیت فرزند*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- کارگری، احمد. (۱۳۸۹). *ملاکها و معیارهای حلیت و حرمت حیوانات و پرندگان*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور . دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- کریمی، اکرم.(۱۳۸۹). *خوراکی های حلال و حرام در قرآن و حدیث*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دنشکده اصول‌الدین.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب.(۱٤۲۹ ه.ق).*الکافی( ط- دار الحدیث)*. قم. انتشارات دار الحدیث للطباعة و النشر.
- محمد بن إسماعیل البخاری.(بی‌تا). *صحیح بخاری*. استانبول. المکتبه و الاسلامیه و النشر و التوزیع.
- مسلم بن حجاج.(۱٤۰۷). *صحیح مسلم*. جلد سوم. محقق: هاشم، احمد عمر. بیروت. موسسه عزالدین.
- موسوی خویی، ابوالقاسم.(۱٤۰۷ ه.ق). *منهاج الصالحین*.تهران. انتشارات دارالکتب اسلامیه.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱٤۱۵ ه.ق). *مستند الشیعة فی أحکام الشریعة*. قم. انتشارات مؤسسه آل البیت علیهم السلام.


[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

شماره ۳۶، دوره اول، سال پنجم، بهار ۱۳۹۹، صص ۲۵-۴۰

# A jurisprudential study of the rules of eating and drinking in the five religions

Farnoush Shariati Sarabi[1]

Islam, as the most complete religion, according to the Holy Qur'an, has not neglected to explain anything. The rulings on food and drink are such that the details are clear, and the general principle is that everything is lawful, and what is needed is reason not to be lawful. Excerpts from this general rule are given in some jurisprudential writings. There are suspicions about some creatures, such as ungulates. In particular, there is a difference between the Imami and Sunni religions, and there are doubts about the capture of animals and their animals by Christians and the meat that enters the Muslim lands from foreign countries, or the birds, which is halal or haram. Of course, in relation to cattle, it should be acknowledged that camel, cow, goat and sheep meat can be eaten among them, although some of their bodies have been excluded. But he hates horse meat, mules and donkeys. According to the Khamseh lords, anyone who is capable of slaughtering can slaughter either a menstruating woman or an immature child. But if the two are slaughtered, it is better than slaughtering a Jew or a Christian. (Considering the conditions of slaughter) Therefore, considering that the narrations about eating and drinking and the category of impurity and different purity are different and sometimes contradictory, so in this article the aim is to make the subject of food and drink from the point of view of jurisprudential views Criticize so that what the Shari'a forbids has been avoided and acted upon.

**Keywords: edible, drinkable, forbidden, halal, jurisprudential evidence**

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

[1] Master of Theology student majoring in jurisprudence and principles of Islamic law, Mashhad Azad University